



# مجموعه

## فهرست مطالب:

- ۲..... سرآغاز سخن
- ۳..... سخن سردبیر
- ۴..... گفت و گویی با دکتر کردبچه
- ۱۰..... اقتصاد مقاومتی با نگاه به حمایت از تولید ایرانی
- ۱۲..... عوامل موثر بر نرخ ارز
- ۱۶..... پوپولیسیم اقتصادی

فصلنامه اقتصادی اجتماعی شاخص  
سال اول ■ شماره اول ■ بهار ۱۳۹۷



صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشجویی اقتصاد دانشگاه الزهراء(س)  
مدیر مسئول: مارال حسینی  
سر دبیر: مهسا نومی  
استاد مشاور: آقای دکتر اسماعیل صفرزاده  
نویسندگان این شماره:  
مهسا نومی - مارال حسینی - سیما نورعلی - عطیه ایزدی - فاطمه نوری خوشرودبار





# سر آغاز سخن

نوشته شده توسط مارال حسینی

۲



فصلنامه اقتصادی اجتماعی شاخص  
سال اول ■ شماره اول ■ بهار ۱۳۹۷



بشماریم باید بگوئیم: جمعیت ایران + دکترها و پروفیسورها و برندگان نوبل اقتصاد در بقیه کشورها، بحثها و مناظرات در تاکسی‌ها و در بین جمع خانوادگی هیچ اشکالی ندارد. اشکال از آنجایی شروع می‌شود که بیماری "همه چیز دانی ما" خودش را بروز می‌دهد. و سعدی در این باره چه خوش گفت: "گر از بسبب زمین عقل منعدم گردد به خود گمان نبرد هیچ کس که نادانم"

فی الواقع، تلاش ما در این نشریه، آگاه‌سازی است. قرار است بعضی از مسائل اقتصادی را به شکلی علمی و نه طبق نظر خودمان، بلکه طبق نظر اقتصاددانان بزرگ ایران و جهان، شرح دهیم. یعنی از این به بعد اگر قرار است در نقد مساله‌ای و یا برای ارائه راه حل اقتصادی، گزاره‌ای را بسازیم حداقلش این است که با تعریف علم اقتصاد در تضاد نباشد و جمله‌ای مانند "طی چهارسال درآمد ملی رو دو و نیم برابر می‌کنم" ساخته نشود.

اصلا به همین دلیل بود که نام شاخص را برای نشریه‌مان برگزیدیم. تا معیاری باشد برای بحث‌هایتان. خدایی نکرده قصدمان این نیست که بگوئیم اقتصاد نخوانده‌ها نمی‌توانند از مسائل اقتصادی حرف بزنند که این اصلا نمی‌شود. هدف صرفا و حقیقتا این است که اگر قرار است حرفی هم زده شود و جمله جدیدی هم زاده شود، جوری نباشد که تن و بدن آدم اسمیت (پدر علم اقتصاد) در گور بلرزد.

"تورم ۱۹ بالای ۳۰ درصده جوون..... آقا، ونک دونفر"  
"سرمایه‌گذاری خارجی نیازی نداریم. این همه منبع داخلی. حالا خارجی‌های فلان فلان شده هم نیومدن که بهتر"  
"پول نفتو فقط خودشون میخورن وگرنه لوضاع مملکت اینجوری نبود که"

"برجام واسه ایران یه شکست بزرگ بوده. اگه نبوده پس چرا این پولی که میگن وارد کشور شده، تو سفره مردم نمیاد؟"

پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص) می‌فرماید: "سلام را آشکار کنید تا دوستی و محبت در میان شما استوار گردد."  
بنابراین اول از هر چیزی لازم است سلامی عرض کنم خدمت بزرگوارانی که تصمیم گرفتند نشریه نوپای شاخص را تهیه کنند. امید است این نشریه و نوشته‌هایش موفق عمل کند.

احتمالا برای عزیزان خواننده ۴ گزاره‌ای که در ابتدا ذکر شد، بسیار آشنا می‌آید. صحت یا عدم صحت هر کدام را سرفرصت مناسب خودشان بررسی خواهیم کرد. اما نیت از بیانشان این بود که گفته شود این روزها، رد علم اقتصاد را در ابتدایی‌ترین دیالوگ‌های بین افراد هم می‌توان زد. لوح مناظرات و بحث‌های اقتصادی نه در کمیسیون‌های اقتصادی مجلس و یا سازمان برنامه و بودجه، بلکه در تاکسی‌ها اتفاق می‌افتد. درواقع اگر بخواهیم صاحب نظران علم اقتصاد را



# سخن سردییر

۴

فصلنامه اقتصادی اجتماعی شاخص  
سال اول ■ شماره اول ■ بهار ۱۳۹۷



به نام خداوند مهربان

اولین قدم برای شروع هر کاری، جز دشوارترین مراحل است، بعد از پشت سر گذاشتن مرحله‌ی آغازین، مسیر هموارتر خواهد بود.

در حال حاضر تنها با یک کلیک می‌توان به اتبوهی از اطلاعات دست پیدا کرد و در این میان، انتشار نشریه‌ای که فصلنامه می‌باشد، ممکن است با اما و اگرهایی رو به رو باشد.

فصلنامه \* شاخص \* همانطور که از نلش بیداست در یک تعریف ساده از شاخص می‌توان گفت که داشتن یک نوع معیار سنجش برای مسائل مختلف عالی‌الخصوص مسائل اقتصادی.

آنچه که باعث شد با وجود چالش‌های پیش رو، انتشار این فصلنامه در اولویت باشد این است که برای دانشجویان علاقمند، محلی برای بیان نظرات و ایده‌هایشان باشد.

در این فصلنامه در نظر داریم که در جهت دهی مثبت به تحولات

فکری دانشجویان و سایر افراد در حیطه مسائل مختلف اجتماعی

که رد پای اقتصاد هم در اکثر موارد پر رنگ است، با تکیه بر معیار

و اطلاعات نسبتاً دقیق، قدمی برداریم.

از جمله اهداف فصلنامه \* شاخص \* این است که:

- آشنایی هر چه بیشتر دانشجویان با علم اقتصاد البته نه به آن شکل تئوری که در کلاس‌ها فقط جهت پاس شدن می‌خوانیم، بلکه بصورت تحلیل با موضوعات بروز اقتصادی
- نقد و بررسی دیدگاه‌های مختلف
- در دسترس قرار دادن منابع و مراجع برای استفاده دانشجویان
- انتشار نظرات صاحب نظران و اساتید

امید است، در فصلنامه اقتصادی - اجتماعی \* شاخص \* بتوانیم، گلمی در

جهت رشد و بهبود آگاهی‌های اقتصادی و مسائل مرتبط با

آن، برداریم.

با احترام

مهسا نومی







### اوضاع واقعی را ترسیم می‌کنند؟

به طور کلی در اقتصاد یا سایر علوم اجتماعی برای تحلیل هر موضوعی ابتدا باید آن را اندازه‌گیری کنیم مثلا تولید ملی، تورم و... اندازه‌گیری و سنجش بخش مهمی از اقتصاد به عنوان یک علم اجتماعی است برای وقتی که می‌خواهید وضع موجود را نسبت به وضع مطلوب تحلیل کنید و فاصله خود تا وضع مطلوب را تعیین کنید و بعد مشخص کنید که چه باید کرد و بر اساس نظریه‌های اقتصادی، برنامه بدهید. پس سنجش وضع موجود در هر حوزه‌ای ضرورت دارد حتی همان شاخص شادی. اما در علوم اجتماعی سنجش خیلی از واقعیات و متغیرها به سادگی امکان‌پذیر نیست. مثلا در اندازه‌گیری تولید ملی مواردی وجود دارد که به خاطر سختی سنجش از آن صرف نظر می‌کنند مثل کار خاتم‌های خانه‌دار، خود مصرفی‌ها و غیره. اما در همین حساب‌های ملی چارچوبی جهانی را داریم که همه کشورها با آن چارچوب جلو می‌روند. این چارچوب خیلی بهبود پیدا کرده است ولی هنوز هم تواقصی دارد. این ضعف‌ها و تواقص یک واقعیتی است که ما در همه اندازه‌گیری‌ها داریم ولی خب گریزی از آن‌ها نیست، یعنی جایگزینی برای آن نداریم. بنابراین اگر کسانی به شاخص‌ها ایراد می‌گیرند، بله این ایرادها وارد است اما اگر گفته شود پس نباید از این شاخص‌ها استفاده کرد حرف درستی نیست. چون همه این شاخص‌ها یک ابزارند، نباید بگوییم چون دقیق نیستند از آن‌ها استفاده نکنیم

● سلام آقای دکتر دکتر بچه. برای شروع بحث دوست داشتیم شما از خودتان معرفی‌ای داشته باشید و این معرفی را از زبان خودتان بشنویم.

در رشته اقتصاد تحصیل کردم. لیسانس و فوق لیسانس در دانشگاه تهران و مقطع دکتری هم حوزه اقتصاد صنعتی در دانشگاه اس آکس انگلستان گذراندم. حدود ۲۰ سال سابقه هیئت علمی دارم که از این ۲۰ سال ۱۶ سال را در دانشگاه همدان گذراندم و ۵ سال هم در خدمت دانشجویان الزهرا هستم. البته از سال ۸۷ با دانشگاه پارت تیم کار می‌کردم ولی حدود ۵ سال است که تمام وقت حضور دارم.

● ما تصمیم گرفتیم که اسم نشریه را شاخص بگذاریم. یکی از معانی شاخص "معیاری برای سنجیدن" است. برای موضوعات مختلف شاخص‌های مختلفی وجود دارد که اوضاع و شرایط را می‌سنجد. به عنوان مثال وقتی از تورم حرف می‌زنیم باید با شاخص لاسپیرز و غیره آشنایی داشته باشیم. اما با این وجود بعضی شاخص‌ها را قبول ندارند و می‌گویند فلان شاخص معیار خوبی برای تعیین اوضاع واقعی نیست مثلا وقتی از شاخص ایران در زمینه شادی صحبت می‌شود. حالا یا واقعا قبول ندارند یا دوست ندارند که قبول کنند. با این وجود نظر شما راجع به شاخص‌ها علی‌الخصوص شاخص‌های اقتصادی چیست؟ آیا این شاخص‌ها



بلکه باید آن‌ها را دقیق‌تر کرد. کارشناسان با استفاده از یک سری تکنیک‌ها نتایج را راستی آزمایی می‌کنند و نواقص را اصلاح می‌کنند. پس راه تصحیح وجود دارد. معمولاً کسانی که دقیق نمی‌دانند شاخص‌ها چگونه محاسبه می‌شوند مثل عده‌ای از کارشناسان سیاسی نتایج را نمی‌پذیرند. در شاخص‌های جهانی اوضاع کمی متفاوت است. مثلاً می‌خولیم رقابت‌پذیری یا حاکمیت شایسته را محاسبه کنیم. حدود ۳۰-۴۰ نوع شاخص متفاوت برای اندازه‌گیری رقابت‌پذیری، ریسک و... وجود دارد. در اینجا چون یک چارچوب کلی وجود دارد که متناسب با هر کشوری تعدیل نشده در نتیجه مخالفت‌ها می‌تواند جدی‌تر قابل قبول باشد اما باز هم چاره‌ای نیست چون اگر شما بخواهید برای هر کشور یک شاخص تعریف کنید در این صورت دیگر با هم قابل مقایسه نیستند. زمانی می‌توان کشورها را مقایسه کرد که معیار محاسبه یکی باشد مثلاً اگر یک شاخص شادی برای ایران تعریف کنیم و یکی دیگر برای آمریکا، قطعاً محصولشان متفاوت است و این تفاوت، لزوماً ناشی از تفاوت آن مسئله در دو جامعه نیست بلکه می‌تواند ناشی از تفاوت روش سنجش باشد. خیلی اوقات دیده شده که افراد ادعا می‌کنند این







شاخص‌ها قابل قبول نیستند چون کشورهای دیگر با شرایط خود آن را ایجاد کردند. ضمن اینکه می‌پذیریم باید این شاخص‌ها طوری باشد که شرایط همه کشورها در آن لحاظ شده باشد اما اگر شاخصی بخواهد همه را با هم مقایسه کند باید بین همه یکسان باشد.

● شما اخیراً در کنفرانس اقتصاد ایران شرکت داشتید. کتابی هم در این زمینه توسط شما و دکتر نیلی چاپ شده است. اگر بخواهید بین تمام مسائل و مشکلات اقتصادی کشور انتخاب کنید، بزرگ‌ترین مشکل راجه می‌بینید؟ در واقع به نظر شما ابرچالش اقتصاد ایران چیست؟

بله. در این کنفرانس که در موسسه نیلوران برگزار شد چالش‌هایی در حوزه‌های مختلف مطرح شد. مثلاً مادر حوزه اشتغال چالش جدی داریم، حجم قابل توجهی پتانسیل و نیروی کار بیکار وجود دارند که اگر شرایط وجود داشته باشد می‌توانند وارد جمعیت فعال شوند. یا خلم‌هایی که در خانه نشسته‌اند، وارد محیط کار شوند. در هر حال، بیکاری یک مسئله جدی است. بحث توزیع درآمد، فقر، رقله خانوار از دیگر چالش‌های اقتصاد ایران است. هم‌چنین موضوع رشد اقتصادی مطرح است که در طول ۴۰ سال گذشته متوسط رشد اقتصادی (رشد ناخالص ملی به قیمت ثابت) کشور چیزی حدود ۴ درصد بوده است و این موضوع با اهدافی که در برنامه‌های مختلف کشور تعریف شده‌اند، سازگاری ندارد. مثلاً در برنامه ششم توسعه، رشد ۸ درصد تعریف شده که اگر شرایط ما در بلندمدت به همین شکل ادامه داشته باشد قابل تحقق به نظر نمی‌رسد. چالش‌های بخشی متعددی هم

وجود دارد که می‌توانید به مقالات آن کنفرانس مراجعه کنید. اما گفتید یک ابرچالش. اگر بخواهیم ابرچالشی انتخاب کنیم که مادر همه چالش‌هاست و باعث شده که ما در ۴۰ سال گذشته رشد بهره‌وری مان تقریباً ۰ باشد یا بیکاری و فقر و مشکلات اقتصادی اجتماعی متعددی وجود داشته باشد، چالش مدیریت است که باعث شده همه چیز مثل آب، محیط زیست، سیستم بانکی، رقله خانوار و... تبدیل به بحران شوند. حتی بخش عمده اتفاقات طبیعی مانند زلزله هم با مدیریت قابل کنترل است. مثال مکزیک را در نظر بگیرید که چند سال قبل زلزله‌ای با تلفات بالا داشته اما سیستم‌های هشداردهنده مناسبی نصب کردند و در زلزله اخیر حدود ۷۲ تانیه قبل مردم خبردار شده بودند که باعث شد زلزله‌ای بدون تلفات جانی باشد.

من همیشه این مثال را می‌زنم که اقتصاد ایران تمدن روشن و افتخارآمیزی دارد ولی بروید ببینید این تمدن کجا ایجاد شده است. همه تمدن‌های بزرگ مثل چین و هند در کنار رودخانه‌های عظیم ایجاد شده‌اند اما تمدن ایران در یک سرزمین تقریباً خشک به وجود آمده یعنی نیاکان ما مشکل آب را به وسیله مدیریت حل کرده بودند. آن هم در چند قرن پیش که تکنولوژی ابتدایی بود. در این حالت بعضی می‌گویند جمعیت ۸۰ میلیونی امروز را با گذشته مقایسه نکنید، تقاضای آب زیاد شده است. بله، متوجهیم که تقاضای افزایش داشته اما تکنولوژی هم در مقابل، پیشرفت کرده است. زمانی اگر می‌خواستیم درختی را در یک مزرعه آبیاری کنیم باید از کیلومترها آن طرف‌تر، با چوب آب را سرازیر می‌کردیم که آب زیادی هم هدر می‌شد اما امروزه به واسطه تکنولوژی می‌توان هر قطره آب را مدیریت کرد



گسترده‌ای ایجاد کرد برای مثال کشور مالزی را در نظر بگیرید. ماهاتیر محمد ظرف دو دهه این کشور را از همه نظر، قوه قضاییه‌اش، آموزش و پرورش، صنعت و کشاورزی متحول کرده است. تا مدیریت درست نشود، هیچ مسئله دیگری قابل حل نیست. نیازمند یک مدیریت اجرایی قوی، سالم و کارآمد در همه قوا هستیم. فقط مسئله مهم خواستن است متأسفانه در کشور ما حتی عزم تجدید مدیریت هم به وجود نیامده است و تمام بحران‌ها به گونه‌ای به کمک درآمد نفت حل می‌شوند.

● **با توجه به ابرچالشی که فرمودید و همچنین عدم وجود وحدت ملی در تغییر شرایط، آینده ایران را چگونه می‌بینید؟**

عزم ملی را هم باید مدیریت ایجاد کند. اصلاحات ساختاری هزینه دارد، باید شفاف‌سازی شود. شما تا به حال دیده اید که رئیس جمهوری به مردم بگوید که ما فلان مشکلات را داریم و برای حل آن‌ها چنین برنلمه‌هایی وجود دارد و به کمک و یاری مردم نیاز داریم؟

پس حتی در بحران آب هم چالش مدیریت به چشم می‌خورد. در هر بحران دیگری که فکرش را می‌کنید ناکارایی مدیریتی به چشم می‌خورد که در چند دهه گذشته در اقتصاد ایران، به صورت یک چرخه دائماً تکرار شده است. تجارب جهانی هم نشان داده که با مدیریت می‌توان تحولات







اما علی‌رغم مشکلات، من آینده ایران را خوب می‌بینم. نسل جوان ما الان آماده اصلاحات این چینی است، از شرایط اقتصادی نامناسب خسته شده و درباره مشکلات و راه‌حل‌های آن‌ها پرسش‌گر و مطالبه‌گر شده است. این نسل جوان تحصیل کرده یک سرمایه ارزشمند است. همچنین در ایران زیرساخت‌های خوبی داریم. راه‌ها، سدها، پنادر و زیرساخت‌های علمی خوب در ایران وجود دارد.

مشکل ایران سخت‌افزاری نیست، نرم‌افزاری است. مثل شرایطی که یک آشپز همه مواد غذایی را دارد ولی بلد نیست این مواد را درست ترکیب کند و نتیجه آن یک غذای نامناسب است. اگر مدیریتی برای اقتصاد کشور پیدا شود که از این پتانسیل‌ها و امکانات استفاده کند، به سرعت می‌توان عقب‌ماندگی را جبران کرد. و البته اگر این مسائل حل نشود به بحران‌های اجتماعی خواهد رسید که ممکن است دیگر نشود لوضاع را جمع کرد پس این اتفاق باید خیلی زود بیفتد.

● **بعضی معتقدند که برون رفت از بحران‌های اقتصادی پاسخی خارج از حوزه اقتصاد وجود دارد مثل تلاشی که در جهت بهبود مسائل اقتصادی برای برجام شد، نظر شما در این باره چیست؟**

کاملاً درست است. اگر روابط خارجی اصلاح نشود مسائل اقتصادی قابل‌حل نیستند. این کاملاً بدیهی است و هر کسی غیر از این بگوید که می‌تواند کشور را ایزوله کند و مرزها

را ببندد و در عین حال اقتصاد را بهبود ببخشد، چیزی از اقتصاد نمی‌داند. تجارب بین‌المللی هم این را نگفته است که بدون حل مشکلات خارجی می‌توان مسائل اقتصادی و حتی مسائل امنیتی را حل کرد. امنیت پایدار کشور، مستلزم روابط اقتصادی قوی با دیگر کشورهاست. وقتی شما در موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای و اتحادیه‌های اقتصادی با دیگر کشورها مشارکت پیدا می‌کنید، منافع مشترک ایجاد خواهد شد که این منافع مشترک شما را حفظ می‌کنند. ضمن اینکه امنیت نظامی هم مهم است اما بدون موارد ذکر شده، حتی داشتن امنیت نظامی هم امکان‌پذیر نیست. مثل تجربه عراق که ارتش قوی‌ای داشت ولی به سبب ضعف در روابطش نتوانست پایدار بماند. بنابراین پاسخ خیلی از مسائل اقتصادی خارج از حوزه اقتصاد است یعنی باید روابط خارجی را اصلاح کرد و تنش را با دنیا به حداقل رساند. این به معنای این نیست که اصول خود را کنار گذاشت. بسیاری از مواقع می‌توان این اصول را حفظ کرد و تنش را هم با دنیا کاهش داد. مثال آن تجربه ژاپن است.

● **بزرگ‌ترین انتقاد شما به جامعه اقتصاد خوانده‌ها چیست؟**

به دانشجویان اقتصادی ندارم، دانشجویان خیلی خوب هستند و آنچه که به آن‌ها یاد داده میشود را خوب یاد می‌گیرند اما به نظام آموزش نقد دارم. متأسفانه اقتصادی که





داده که بیش از ۳۰٪ اقتصاد ما غیررسمی است. در حالی که دانشجویهای ما مطالعه‌ای در این باره ندارند. جای مواردی از این قبیل در آموزش اقتصاد ما خالی است و تا این‌ها حل نشود محصول تولیدی ما به درد جامعه نمی‌خورد. متاسفانه فقط آموزش نیست. پژوهش ما هم مشکل جدی دارد. این مقاله شماری و مقاله‌تویسی که همه هم باید مدل‌سنجی داشته باشند. باید در پژوهش بازنگری کنیم. پژوهش باید مسئله محور و متناسب با نیازهای ما باشد و از آن توصیه‌های سیاستی درآید.

● **بانوجه به همه مسائل گفته شده، مهم‌ترین وظیفه یک دانشجوی اقتصاد از نظر شما چیست؟**

مطالعه‌گری مهم‌ترین وظیفه دانشجویان باید باشد.

ما در ایران آموزش می‌دهیم در چارچوب مناسب و درخور با شرایط ایران نیست. ضمن اینکه مباحث فنی و آماری بسیار مهم و لازم است. اما مسئله ما در حال حاضر این نیست. این را هم می‌توان یک جور بده بستان در نظر گرفت. وقتی روی یک مطلب بیش از حد تمرکز می‌شود، مطلب دیگری عنوان نمی‌شود. پس ما از موضوعات مهمی مانند مسائل اقتصاد ایران، کارآفرینی و... غفلت می‌کنیم. شما اگر سایت دانشگاه توکیو را برای رشته اقتصاد ببینید متوجه می‌شوید که چندین واحد مرتبط با اقتصاد ژاپن را می‌گذرانند در حالی که در ایران یک درس سه واحدی است. از خیلی از دانشجویها پرسید بهرروری چیست، نمی‌دانند. مهارت تجزیه و تحلیل را به دانشجویها یاد ندادیم. برآوردها نشان



# اقتصاد مقاومتی

گردآورندگان: مهسانومی - سیمانورعلی - عطیه ایزدی

همان‌طور که مقام معظم رهبری نیز در سخنانشان اشاره کردند، همواره یک طرف اجرای سیاست‌های دولتی، در ابعاد مختلف، بعد مردمی اجتماع و اقتصاد است سیاست اقتصاد مقاومتی و تحقق جایگاه مردم در اقتصاد نیز از این قاعده مستثنا نیست و مطابق با تاکید مقام معظم رهبری در سخنرانی شعار امسال مردم نیز نقش و وظیفه‌ای اساسی در این زمینه دارند لذا بدون هدایت مردم در جهت رسیدن به اهداف سیاست تحقق عزم ملی و اقتصاد مقاومتی راهکارهای سیاسی و حمایتی دولت محکوم به شکست خواهد بود و به جز هزینه‌های بسیار برای دولت، ثمره‌ای نخواهد داشت.

اقتصاد مقاومتی، از آن‌جا ناشی می‌شود که اقتصاد با محوریت تولید و اشتغال در هر صورت و در هر حالت به عنوان مهم‌ترین، اساسی‌ترین و کاربردی‌ترین راه حل در توسعه هر جامعه و کشور محسوب می‌شود بطوری‌که سایر مشکلات در پناه رونق تولید و افزایش تولید به حداقل ممکن کاهش خواهند یافت.

در شرایط فعلی یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که اکثر خانواده‌های ایرانی با آن‌ها مواجه‌اند بیکاری حجم فزاینده جوانان دانش‌آموخته رشته‌های مختلف دانشگاه و یا آینده مبهم شغلی جوانان درحال تحصیل در حال حاضر می‌باشد که عملاً عرصه را بر خیلی از خانواده‌ها تنگ کرده است.

شاید برای اشتغال ده‌ها راه حل ذکر گردد اما یک موضوع در این بین کاملاً واضح و مبرهن است و آن‌هم آنکه افزایش اشتغال فقط با رونق تولید در تمامی بخش‌های اقتصادی به ویژه‌های بخش‌های بزرگ

## ■ چرا مقاومت؟

■ مقاومت‌سازی نظام اقتصادی چه مزایایی برای ما دارد؟ تاریخ ایران را که ورق بزنیم، بعد از گذشتن از سالیانی دراز، می‌رسیم به امروز. آن‌چه که ملت ایران در تاریخش تجربه کرده، امروز همان ملت را در جایگاهی قرار داده که فشارهای اقتصادی دشمنان به هیچ‌عنوان قابل چشم‌پوشی نیست.

واژه‌ی اقتصاد مقاومتی برای اولین بار توسط رهبری مطرح می‌شود. پس برای معنای این واژه، بهتر است به تعریف خود رهبری مراجعه کنیم.

اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.

## ■ منظور از این مقاومت‌سازی چیست؟

### ■ مقاومت‌سازی در برابر چه چیزی؟ چه کسی؟

اقتصاد مقاومتی یعنی هم یک روند رو به جلو در اقتصاد بوجود آوریم، هم آسیب‌پذیری‌اش را کاهش بدهیم. ما در اقتصاد مقاومتی به دنبال تبدیل تحریم به فرصت هستیم، یعنی باید باشیم.

اقتدار اقتصادی یعنی ثبات، یعنی ریشه کن کردن فقر. فقر مکرری ست که اگر آن‌را را ریشه‌کن کنیم، در واقع منشا بیشتر متکرات را نابود کرده‌ایم.

اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد درون‌زاست، یعنی از نیروها و توانمندی‌های داخلی استفاده می‌شود. یعنی اگر به دنبال مقاوم ساختن اقتصاد و یا هر حوزه‌ی دیگر هستیم، باید مفهومی به نام ملت را همواره مورد توجه قرار بدهیم.

تقلوتی ندارد کدام دولت بر سرکار باشد، اقتصاد مقاومتی تدبیری است برای خروج از شرایط نابسامان و به دنبال آن، حفظ ثبات در شرایط طبیعی و در پیش گرفتن مسیر پیشرفت.

■ سوالی که در این بین بوجود می‌آید این است که آیا ادبیات اقتصاد مقاومتی در میان خانوارهای ایرانی محقق خواهد شد؟

مردم در انجام بسیاری از سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، نقش عمده و در برخی از سیاست‌ها، اصلی‌ترین نقش را در اجرا و شکست آن برعهده دارند به عبارت دیگر،



# سی و ارتباط آن با تولید ملی

11

فصلنامه اقتصادی اجتمالی شاخص  
سال اول ■ شماره اول ■ بهار ۱۳۹۷

۳. جلوگیری شدید و اکید و عملیاتی از قاچاق کالا به داخل کشور و مبارزه قاطع با قاچاق کالا
۴. هدفمند بودن تولیدات داخلی به سمت صادرات برای افزایش توان اشتغالزایی واحدهای تولیدی بزرگ و ...

قطعا بدون هیچ تردیدی تحقق اقتصاد مقاومتی که در چند سال اخیر مورد تاکید مقام معظم رهبری و دیگر مسئولان کشور می‌باشد با سخنرانی، شعار، حرف و بترهای رنگارنگ محقق نخواهد شد بلکه تحقق اقتصاد مقاومتی با اجرای کامل مولفه‌های مخصوص اقتصاد مقاومتی ممکن خواهد شد که افزایش بهره‌وری، استفاده حداکثری از حداقل امکانات و در نهایت رونق و حمایت از تولیدات داخلی و افزایش اشتغال به عنوان مهم‌ترین اهداف آن محسوب می‌شوند.

کشورزی و صنعت و زیربخش‌های وابسته به آن امکان‌پذیر است بطوری که تمامی سرمایه‌گذاری‌ها باید در این زمینه‌ها متمرکز گردد. برای رونق تولید با توجه به ضرورت اقتصاد مقاومتی قبل از هر لولیتی ابتدا باید به توانمندی‌ها و قابلیت‌های داخلی تکیه نماییم و راه را بر ورود و انواع و اقسام کالاهایی که امکان تولید آن در داخل کشور وجود دارد ببندیم که این حرکت باعث افزایش اشتغال می‌شود. از جمله روش‌های رونق تولید داخلی:

۱. سرمایه‌گذاری گسترده در بخش‌های اقتصادی به صورت علمی و هدفمند
۲. حمایت از بنگاه‌های کوچک اقتصادی زود بازده





# عوامل موثر بر نرخ ارز

• نویسنده: فاطمه نوری خوشرو بباری

۱۲



فصلنامه اقتصادی اجتماعی شاخص  
سال اول ■ شماره اول ■ بهار ۱۳۹۷



## نگاهی گذرا به بازار ارز در ایران

نظام ارزی در ایران را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول قبل از انقلاب است که نظام نرخ ارز در ایران ثابت بوده و در این دوره، حاشیه ارزی (یعنی شکاف بین نرخ ارز رسمی

متصور از ارز هر وسیله‌ای است که به صورت اسکناس، حواله یا چک در مبادلات خارجی جهت پرداخت‌ها استفاده می‌شود و منظور از نرخ ارز، مقداری از واحد پول ملی است که برای بدست آوردن واحد پول کشور دیگر باید پرداخت شود.







منظور از ارز هر وسیله‌ای است که به صورت اسکناس، حواله یا چک در مبادلات خارجی جهت پرداخت‌ها استفاده می‌شود و منظور از نرخ ارز خارجی، مقداری از واحد پول ملی است که برای بدست آوردن واحد پول کشور دیگر باید پرداخت شود.

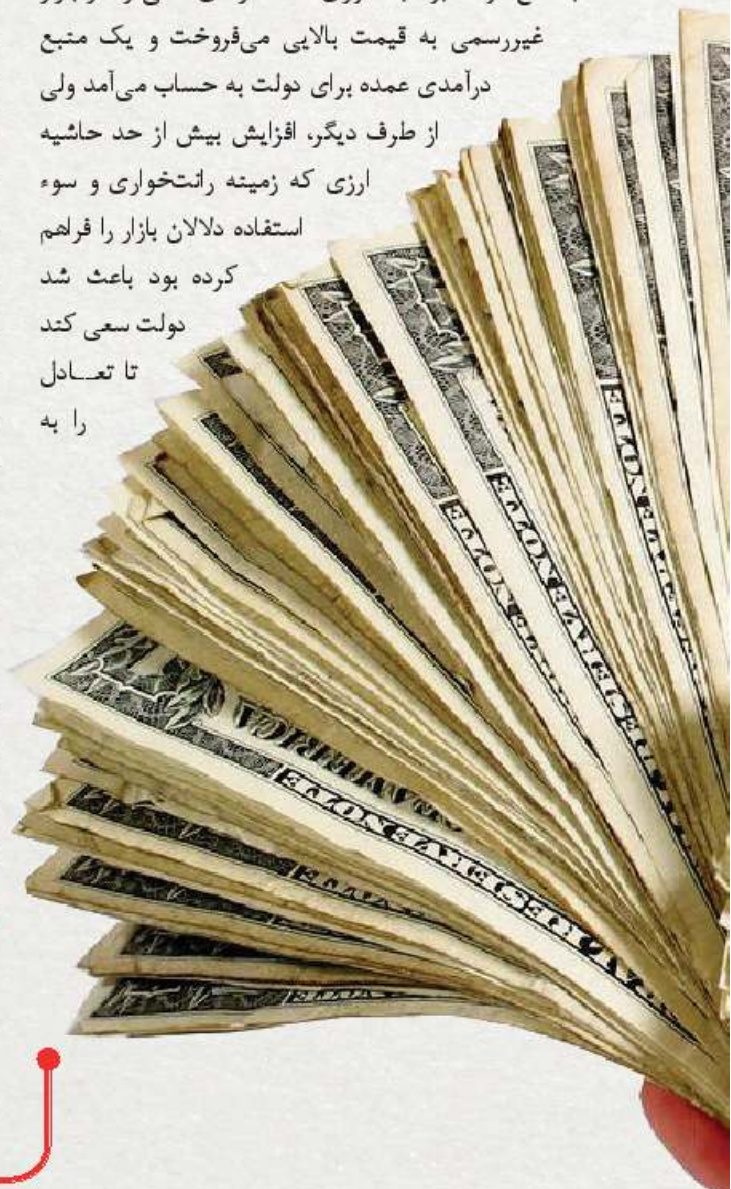
بازار مبادلات خارجی برگرداند زیرا گسترش حاشیه ارزی متجر به قیمت‌گذاری بیش از حد واردات و قیمت‌گذاری کمتر از حد صادرات می‌شود که این امر به نوبه خود باعث کاهش انگیزه صادرات رسمی و تشدید قاچاق می‌شود. از این رو دولت به منظور کاهش شکاف میان نرخ‌های رسمی و بازار ارز، به کرات به افزایش نرخ رسمی ارز مبادرت ورزید (در سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۶۷-۱۳۷۷). همچنین دولت در این سال‌ها مجبور شد یک سیستم چند نرخ ارز را در تخصیص منابع ارزی کمیاب به کار گیرد. به طوری که مثلاً در دوره جنگ تعداد نرخ‌های به کار رفته برای گروه‌های مختلف کالاهای وارداتی و صادراتی به ۷ عدد رسید! اما باید گفت که این سیستم موفق نبود. پدیدار شدن نرخ‌های دوگانه و چندگانه ارزی در این سال‌ها و پذیرش آن در اقتصاد ایران اگر چه برای جلوگیری از تهی شدن ذخایر کشور در هنگام مواجهه با مازاد تقاضای ارز و حفظ تعادل در تراز پرداخت‌ها صورت گرفت، اما تجربه رژیم‌های دوگانه ارز در ایران و سایر کشورهای در حال توسعه، دلالت بر ناکارآمدی و کوتاه بودن مدت اثرات آن دارد.

در دوره سوم، به منظور جلوگیری از مشکلات ناشی از وجود حاشیه ارزی بزرگ و نظام‌های چندگانه ارزی در سال ۱۳۸۱، سیاست یکسان سازی نرخ ارز انجام گرفت. با این حال به دلیل وابستگی بازار ارز به درآمدهای نفتی هنوز هم با بازار واقعی ارز در ایران فاصله داریم.

### عوامل مؤثر بر نرخ ارز

۱. تفاوت نرخ‌های تورم: اصلی‌ترین عاملی که نرخ ارز را در بازار ارز هر کشور تعیین می‌کند، اختلاف «تورم انباشته» بین هر کشور و سایر کشورها است. منظور از تورم انباشته یا تورم تجمعی، مجموع نرخ

و نرخ ارز در بازار غیر رسمی) وجود نداشته است. دوره دوم، بعد از انقلاب است که گرچه نظام نرخ ارز هنوز هم ثابت بود اما حاشیه ارزی در این دوره افزایش چشمگیری یافت. گرچه افزایش حاشیه ارزی، از یک طرف به نفع دولت بود به طوری که دلارهای نفتی را در بازار غیررسمی به قیمت بالایی می‌فروخت و یک منبع درآمدی عمده برای دولت به حساب می‌آمد ولی از طرف دیگر، افزایش بیش از حد حاشیه ارزی که زمینه رانت‌خواری و سوء کرده بود باعث شد دولت سعی کند تا تعادل را به







تورم یک کشور در طول چند سال متوالی است. اقتصاد ایران دارای تورم انباشته زیاد و همچنین درآمدهای ارزی حاصل از صادرات منابع طبیعی مانند نفت خام است. بدیهی است این موضوع اثرات متفلوتی بر نرخ ارز دارد. از آنجایی که نرخ تورم داخلی بالاتر از نرخ تورم خارجی است، باعث می‌شود که قدرت رقابت تولیدکنندگان داخلی برای صادرات کالاها و خدمات کاهش یابد و به تبع آن صادرات کشور تضعیف نشود و از طرف دیگر واردات کالاها و خدمات خارجی به کشور افزایش پیدا کند. ۲. تفاوت نرخ‌های بهره: اگر نرخ بهره در یک کشور نسبت به جاهای دیگر افزایش یابد، در این صورت

سپرده‌گذاری در آن کشور جذاب‌تر خواهد شد، بنابراین تقاضا برای نرخ ارز آن کشور افزایش می‌یابد (که به آن جریان پول داغ می‌گویند). ۳. کسری حساب جاری: حساب جاری از مهم‌ترین اجزای تراز پرداخت‌هاست. حساب جاری، درآمد ناشی از فروش کالاها و خدمات (درآمد ناشی از صادرات) و پرداخت‌های جاری مربوط به واردات کالاها و خدمات تولید شده را ثبت می‌کند. کسری حساب





از آن جایی که نرخ تورم داخلی بالاتر از نرخ تورم خارجی است، باعث می‌شود که قدرت رقابت تولیدکنندگان داخلی برای صادرات کالاها و خدمات کاهش یابد و به تبع آن صادرات کشور تضعیف نشود



شک سمت و سوی انتظارات مردم و شدت آن بر نرخ ارز (و قیمت‌ها و تورم و ...) موثر است. به عنوان مثال در صورت عدم ثبات اقتصادی، انتظارات مردم در خصوص افزایش تورم، باعث تغییر در نرخ ارز خواهد شد. اگر مردم انتظار داشته باشند که قیمت‌ها در آینده افزایش خواهد یافت، هم باعث افزایش واردات و هم باعث فرار سرمایه می‌شود که نتیجه آن افزایش نرخ ارز خواهد بود. در نتیجه می‌توان گفت در صورت نبودن ثبات سیاسی و عملکرد اقتصادی، باعث ایجاد نا پایداری، تنش‌ها و برخوردهای روانی فیزیکی، شایعات، جنگ تبلیغاتی، تحریم‌های اقتصادی و... خواهد شد که همه و همه این‌ها باعث افزایش قیمت‌ها و نرخ ارز می‌شود. همچنین عدم ثبات سیاسی و عملکرد اقتصادی از عواملی است که تاثیر منفی در جذب سرمایه‌گذاران خارجی دارد.

#### منابع

۱. شاکری عباس، اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌ها، ص ۳۵۹، نشرات رافع چاپ ششم سال ۹۵
۲. تقوی مهدی و محمدی مرتضی، بررسی عوامل موثر بر نرخ ارز و تراز پرداخت‌ها در اقتصاد ایران، ص ۵ و ۶ از فصلنامه اقتصاد مقداری (فصلنامه بررسی‌های اقتصادی)، شماره بهار ۱۳۹۰، دوره ۸

#### جاری

می‌تواند

به این معنا باشد

که یک کشور بیش از

آنچه صادر می‌کند، کالا

و خدمات وارد می‌کند

که اگر کسری حساب

جاری به این معنا باشد (پیشی

گرفتن واردات از صادرات)، نشان‌گر

مشکلاتی است که اقتصاد در زمینه

رقابت دارد. اما در عین حال، کسری حساب

جاری می‌تواند نشانگر سبقت سرمایه‌گذاری از

پس‌انداز باشد که در این صورت کسری حساب

جاری بر یک اقتصاد مولد، پویا و پررونق دلالت دارد.

یعنی از طرف دیگر، کسری حساب جاری در یک

کشور می‌تواند نشانگر سطح نازل پس‌انداز نسبت

به سرمایه‌گذاری یا نرخ بالای سرمایه‌گذاری باشد.

۴. ثبات سیاسی و عملکرد اقتصادی: ثبات سیاسی و

یا عدم ثبات سیاسی و عملکرد اقتصادی در جامعه،

تاثیر زیادی روی انتظارات افراد جامعه دارد و بدون



# پوپولیسم اقتصادی

نوشته شده توسط مارال حسینی

۱۶

فصلنامه اقتصادی اجتماعی شاخص  
سال اول ■ شماره اول ■ بهار ۱۳۹۷

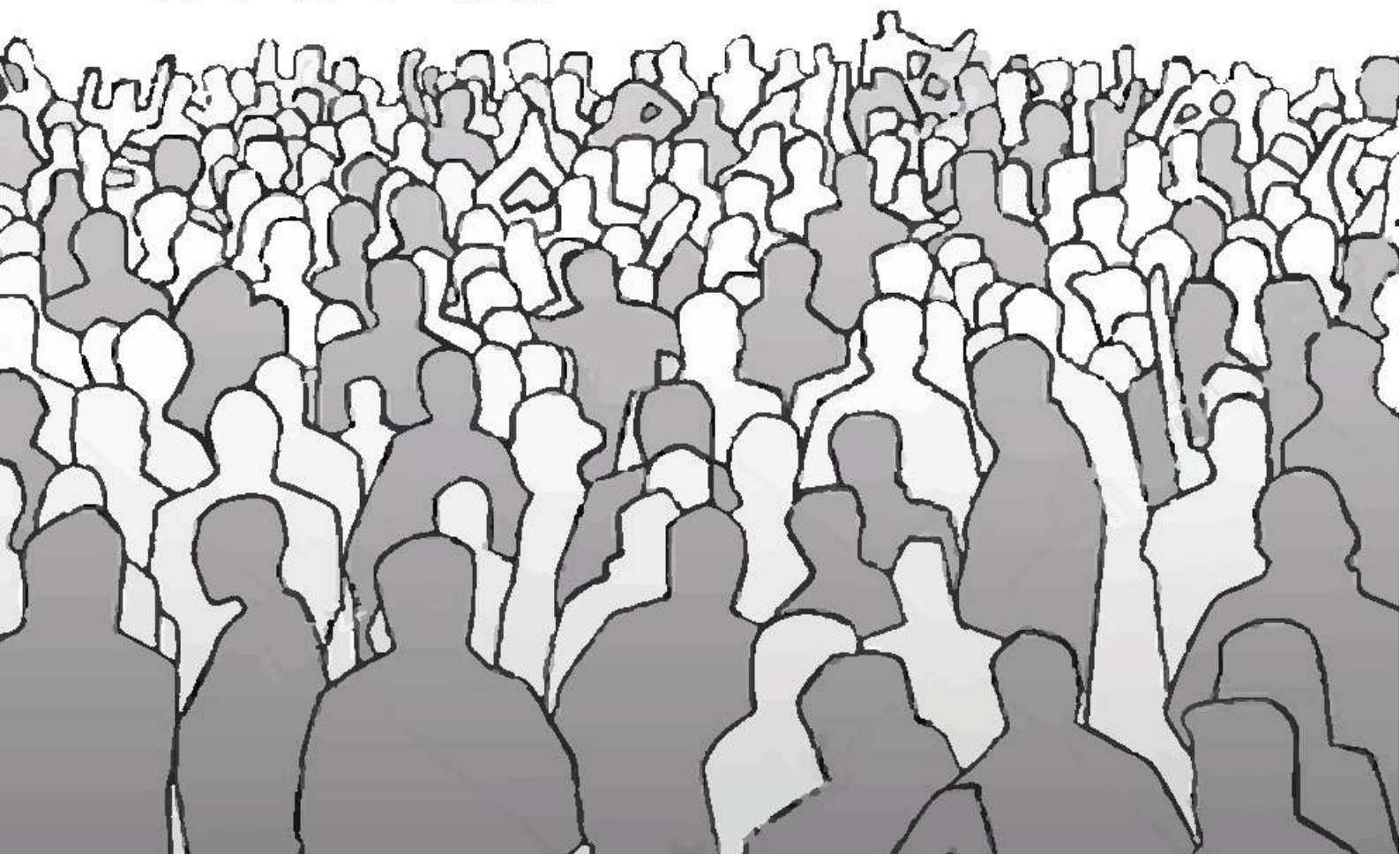


ندارند معمولا اهل انتقاد جدی نیستند، بیشتر مطیع اند و حداکثر نقدی سطحی می‌کنند. این اعتقاد به مردم در نقطه مقابل مخالفت با نخبگان (تا حد نخبه‌ستیزی) است. نخبگان لاهل چون و چرا هستند و بیش از آنکه اهل شنیدن صرف و شعار دادن باشند، اهل گفت و گو و بحث و جدل و طفره‌اند. این یکی از علت‌هایی است که نخبگان منغور عوام‌گرایان (پوپولیست‌ها) هستند.

## پوپولیسم در اقتصاد

عوام‌گرایی ساده دیدن مسائل پیچیده است و این با ساده‌سازی و تبیین ساده مباحث پیچیده تفلوت دارد. یک

دانش‌نامه ویکی‌پدیا عوام‌گرایی (پوپولیسم) را یک ایدئولوژی سیاسی تعریف می‌کند که براساس آن، این اعتقاد ترویج می‌شود که شهروندان بافضیلت توسط اقلیتی از نخبگان مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند. طبق این ایدئولوژی، اگر شهروندان بافضیلت این خطر را دریابند و سازمان‌دهی شوند، می‌توانند آن اقلیت را سرنگون کنند. در واقع آنچه مطلوب عوام‌گرایان است، چیزی است که کورنهلوزر آن را «جامعه توده‌ای» نام گذاشته است. مردمی محصور که بتوان آنان را با تبلیغات به راحتی به این سو و آن سو کشاند. مردم چون به اطلاعات تخصصی دسترسی



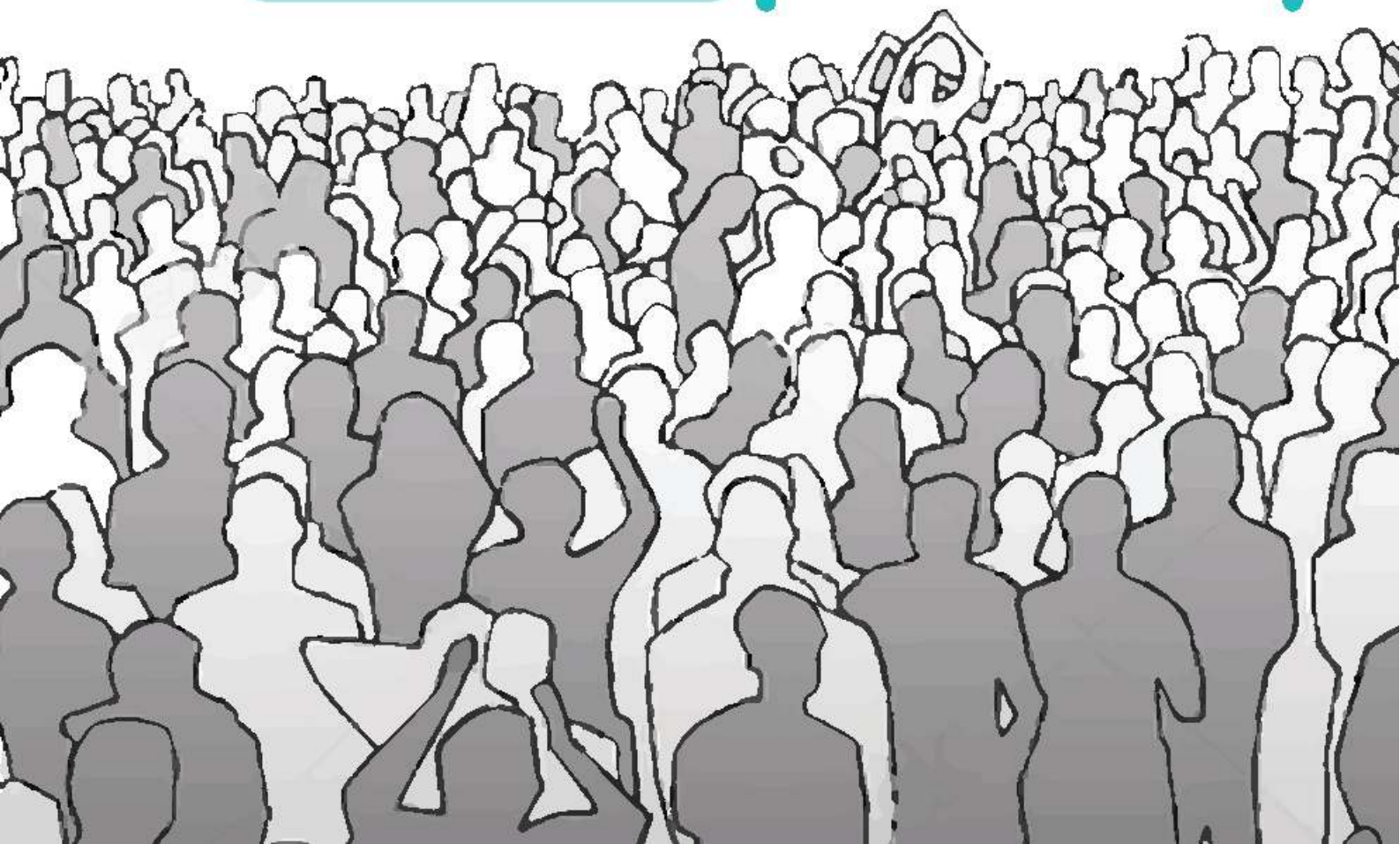


مشخص می‌شود: ۱- تا اینجای کار در کوتاه مدت رشد اقتصادی و دستمزد بالا می‌رود و کنترل قیمت کمک می‌کند تورم پایین بماند و هرگونه کمبود با واردات جبران می‌شود. این امر اعتماد به نفس سیاست‌گذار را افزایش می‌دهد. ۲- به تدریج با افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات و آغاز کمبود ارز، محدودیت‌ها خود را آشکار می‌سازد. در این مرحله افزایش قیمت، کاهش ارزش پول ملی و در نهایت کنترل خروج ارز ضروری می‌شود و با توجه به افزایش تورم و تدلوم پارانه‌ها کسری بودجه ظاهر می‌شود. ۳- کمبود شدید منابع بودجه و ارز همراه با شدت گرفتن تورم موجب قرار سرمایه می‌شود. دولت می‌کوشد با کاهش پارانه‌ها و افزایش نرخ ارز به کسری بودجه واکنش نشان دهد. پس رفته رفته کسری تراز پرداخت‌ها ظاهر می‌شود و ناگزیر نرخ ارز با جهش به بالا افزایش پیدا می‌کند. ۴- معمولاً دولت عوام‌گرا سقوط می‌کند و دولت جدیدی سرکار می‌آید که سیاست‌های اصلاحی سخت‌گیرانه را دوباره برقرار می‌کند. افت دستمزد حقیقی آن‌قدر شدید است که دستمزد به جایی پایین‌تر از نقطه‌ای که در هنگام ظهور پولیست‌ها بود تنزل می‌کند که معنای آن این است که پیامد منفی و بلتندمدت عوام‌گرایی بدتر از منافع کوتاه مدت آن خواهد بود.

در نیم قرن اخیر کم و بیش سیاست‌گذاری اقتصادی

عوام‌گرا دنیا را ساده می‌انگارد، درحالی که فرد دیگری در عین اینکه به پیچیدگی مسائل آگاه است می‌کوشد برای توجیه کردن و همراه کردن دیگران، مباحث پیچیده را به شکل ساده‌ای برای مردم توضیح دهد. در رشته اقتصاد این مشکل دوچندان است، زیرا روز به روز بر تخصصی شدن آن افزوده و از قدرت مقلّمه اقتصاددانان با توده مردم کاسته می‌شود. اگر اقتصاددانانی همت نکنند و مباحث اقتصادی پیچیده را برای مردم تشریح نکنند، کسانی که عمق مسائل را در نمی‌یابند، با تصویری غیر واقعی که از واقعیت دارند به سراغ مردم خواهند رفت. این دقیقاً آن چیزی است که در اقتصاد ایران در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ رخ داد. تصورات ساده اندیشانه از سازوکارهای حاکم بر اقتصاد موجب شد سیاست‌های نادرستی به کار گرفته شود که پیامدهای نامطلوب آن بعد از چند سال همچنان دامن‌گیر اقتصاد ایران است. به همین علت، برخی پژوهشگران مهم‌ترین ویژگی حکومت‌های عوام‌گرا را اتخاذ سیاست‌هایی دانسته‌اند که منافع و رضایت کوتاه مدتی ایجاد می‌کند اما در بلندمدت زیان‌های بزرگی به دنبال دارد.

پول‌یست‌ها در وهله نخست، افزایش دستمزدها را در دستور کار قرار می‌دهند. در عین حال، با هرگونه کاهش ارزش پول ملی به دلیل تورم‌زا بودن و کاهش سطح رفاه خانوارها مخالفت می‌کنند. از اینجا به بعد چند مرحله







کشور پوپولیستی بوده، دوره‌ای کمتر و دوره‌ای بیشتر. برای اینکه چرا پوپولیسم در سیاست‌گذاری کلان اقتصادی ما این‌گونه نهادینه شده دلایل مختلفی وجود دارد از جمله:

۱- نفت سیاست‌گذاران ما را معتاد کرده است. دولتی که مجبور است با مالیات روزگار بگذراند اساساً نمی‌تواند خیلی در حوزه اقتصاد پوپولیست باشد. زیرا اگر بخواهد منابع بیشتر مصرف کند، ناچار است مالیات بیشتر بگیرد و این خود موجب نارضایتی است. پس مدیران دولتی که از محل مالیات ارتزاق می‌کنند دستشان پیش جامعه دراز است و وکیل شهروندان در تلمین منابع هستند. ۲- پوپولیسم محصول شرایطی است که در آن گفت و گوی نقدانه ممکن نباشد. در شرایطی که رسانه‌ها با محدودیت روبه‌رو هستند و به هر دلیل گفت و گوی صریح و بی‌دغدغه درباره بسیاری از موضوعات کلیدی کشور ممکن نباشد، طبیعی است که سطح آگاهی مردم پایین‌تر شود و مردم صرفاً با شهود عامیانه به تصمیم‌ها و رفتارهای سیاست‌گذاران واکنش نشان خواهند داد. از این رو می‌توان به این نتیجه رسید که کسانی که مخالف جریان آزاد اطلاعاتند از چه دسته افرادی هستند. ۳- پوپولیسم محصول جامعه کوتاه مدت‌لست. مهم‌ترین دلیل کوتاه مدت‌نگری در جامعه، فقدان امید است. بسیاری از مردم اعتماد خود به کیفیت سیاست‌گذاری را از دست داده‌اند و هیچ امیدی ندارند که اگر از رفاه کوتاه مدت خود صرف‌نظر کنند امکان دستیابی به رفاه بلند مدت وجود داشته باشد یا خیر.

تا وقتی روشنفکران ما نسبت به نحوه اداره جامعه به طور عام و قلمرو اقتصاد به طور خاص بی‌توجه هستند و به آن بی‌مهرند نمی‌توان از جامعه انتظار داشت دچار عوام‌گرایی نشود و فریب عوام‌گرایان را نخورد. این وظیفه‌ی تک‌تک دانش‌آموختگان علوم اجتماعی است که تخصص خود را معطوف به حل مسائل اجتماعی و آموزش عمومی جامعه کنند و بکوشند این خلا دانشی را در جامعه ایران برطرف کنند. تجربه پرهزینه دوران احمدی‌نژاد نشان داد که جامعه ما چه‌قدر مستعد عوام‌گرایی است. هنوز برای جامعه ما این امر که سطح زندگی یک سیاست‌مدار چگونه است، عامل مهم‌تری است تا اینکه تخصص او چه قدر است. باید بیاموزیم که هر سیاست‌مداری که صرفاً از افزایش امکانات و خدمات خود و کاهش هزینه‌ها سخن به میان آورد، قطعاً یا ساده‌اندیش است و یا فریب کار بزرگی است و باید نسبت به او محتاط بود. به امید اینکه در آینده، کشور از چنین تهدیدهایی دور باشد.

#### منابع

- ۱ کتاب پوپولیسم ایرانی از علی سرزعی
- ۲ کتاب پوپولیسم چیست از یان ورنر موار